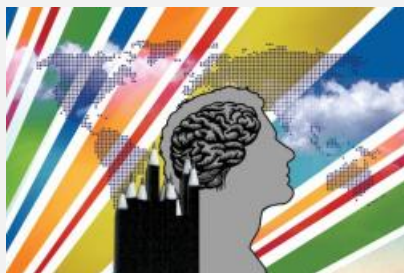


10 شاخص سیاسی اندیشه اسلامی

گذشت قرن‌ها از شکوفایی تمدن اسلامی نه فقط از اهمیت پیامی که رسول مکرم اسلام به بشریت منتقل کرد، نکاسته، بلکه امروز با وجود تحرکات افراطی در سطح جهان که گاهی به نام اسلام صورت می‌گیرد...



گذشت قرن‌ها از شکوفایی تمدن اسلامی نه فقط از اهمیت پیامی که رسول مکرم اسلام به بشریت منتقل کرد، نکاسته، بلکه امروز با وجود تحرکات افراطی در سطح جهان که گاهی به نام اسلام صورت می‌گیرد، توجهات به آنچه در آموزه‌های اسلامی تصریح شده افزایش پیدا کرده و این پرسش کلیدی را پیش‌روی جامعه بشری قرار داده است که دین مبین اسلام، روشن‌گر کدام راه ه دعت کنده به کدام راه ه، احتمالاً، فرهنگ، ه ساس، است؟ در تاریخ اندیشه اسلامی، تلاش‌های بسیاری صورت گرفته تا به این پرسش پاسخ داده شود. بسیاری از فرقه‌های اسلامی و مذاهب نیز تحت تأثیر همین فرآیند شکل گرفته اما گاه چنان راه به انحراف پیموده اند که به جای پاسخ دادن به ابهامات، خود ابهام را شده اند. با این که در تاریخ اسلام برخی اندیشمندان مدعی شده اند اسلام فاقد آموزه‌های سیاسی و اجتماعی به معنی امروزی است، اما برخی دیگر با اشاره به احکام اجتماعی و حاکمیتی اسلام، نگاهی دیگر به آموزه‌های دینی داشته و نفی دیدگاه سیاسی اسلام را عملاً پاک کردن صورت مساله ارزیابی کرده اند.

واقعیت‌های تاریخ سیاسی اسلام نیز گواه بر آن است که نه فقط پیامبر گرامی اسلام خود اقدام به تشکیل حکومتی اسلامی کردند، بلکه در جریان جنگ‌ها یا عقد پیمان‌های صلح، درس‌هایی تاریخی برای بشریت به یادگار گذاشتند که شاید بتوان از آن به عنوان مانیفست سیاست دینی یاد کرد.

با وجود این هنوز پرسش اینجاست که مهم‌ترین شاخص‌های این مانیفست به عنوان یک چراغ راه در جهان پرآشوب امروز چیست و چگونه می‌توان با تکیه بر چنین نقشه راهی، در مقابل انحرافات ایستاد که امروز به نام اسلام اما در واقع در جهت بدنام کردن آموزه‌های این دین الهی مورد استفاده قرار گرفته و در رسانه‌های غربی بزرگنمایی می‌شود. در همین چارچوب، ده شاخصی که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، شاید همان مختصات کلیدی اندیشه سیاسی اسلام باشد که تندرهای دینی، در چارچوب منافع خود، به عمد آن را نادیده گرفته و تلاش می‌کنند دستاوردهای فکری و سیره عملی دین اسلام که حاصل مجاهدت‌های پیامبر(ص)، اهل بیت(ع) و صحابه صدیق ایشان است را زیر سوال ببرند.

الف) توحید: به جرأت می‌توان گفت مهم‌ترین شاخص سیاسی در اندیشه اسلامی، توحید، به معنی نفی هرگونه توسل به قدرت‌های غیرالهی است. آیات بسیار زیادی از قرآن کریم و روایات متعددی بر این امر تصریح دارد که اسلام، دعوتی است به سوی ترک الهه‌های زمینی و معطوف کردن مفهوم قدرت به ذات الهی. همان اندیشه‌ای که انقلابی علیه حکومت‌های استبدادی وقت محسوب می‌شده و در سال‌های بعد نیز همواره مستبدان و پیروان استعمار و استثمار را از اسلام به دور نگه داشته است.

ب) مردم‌گرایی: پیامی که رسول مکرم اسلام بر آن تصریح دارد، هرچند مفهوم قدرت را منطبق با قدرت قادر مطلق معنی می‌کند، اما در کنار آن بر قدرت مردم نیز تصریح داشته و از حق مردم (ناس) و ضرورت توجه به آن در شرایطی سخن می‌گوید که اندیشه‌های موازی، هیچ اصالتی برای مردم قائل نبوده و به مردم، به عنوان بردگانی در اختیار حکمرانان می‌نگریسته اند. در همین راستاست که پیام سیاسی اسلام که منطبق بر توجه به حقوق بشر بود، بسرعت در سرزمین‌های مختلف مورد توجه قرار گرفت و زمینه فروپاشی امپراتوری‌های بزرگی را فراهم آورد.

پ) برابری: از دیگر سو، شاخص دیگر اندیشه سیاسی اسلام، نفی مفهوم طبقه و نژاد و مبنا قرار دادن تقوا به معنی توجه به عمل صالح در قضاوت و داوری میان مردم است. این درست در شرایطی است که برخی دیگر از مذاهب، با تکیه بر اندیشه‌های قومی، دیگر انسان‌ها را مورد ستم قرار می‌داده و حاضر نبودند اصالت طبقه و نژاد و رنگ پوست را فدای مفهومی معنوی به معنای تقوا کنند. شاید یکی از دلایلی که هنوز هم نژادپرست‌ها و قوم‌گرایان - حتی اگر نام مسلمان نیز بر خود بگذارند - با اندیشه اسلامی زاویه داشته و حاضر به پذیرش گوهر معنایی آن نیستند، همین باور به برابری در همه شئون بشری است که خود، زمینه باور به نوعی زیست آزادانه را ایجاد کرد.

ت) آزادی: زیست آزادانه در سبک زندگی اسلامی، به معنی رها شدن از قیودی است که نظام‌های استبدادی تحمیل کرده و گاه حتی با تکیه بر غرایز انسانی، قدرت‌رهایی از عادات و رفتارهای ناصواب را سلب می‌کند. در چنین بستری از آزادی، فرد دیندار نه فقط از قیود استبدادی آزاد می‌شود، بلکه از بند غریزی که مانع رشد انسان می‌شود نیز رها شده و در چنین زیست آزادانه‌ای است که فرصتی برای تعالی پدید می‌آید.

بنابراین در اندیشه سیاسی اسلام و آنچه در سیره پیامبر(ص) قابل درک است، وحشت آفرینی برای تحمیل اندیشه به دیگران معنا نداشته و پدیده‌هایی چون ترور که مبتنی بر وحشت‌گرایی است نیز نمی‌تواند خاستگاهی اسلامی داشته باشد.

ث) رحمت و اقتدار: آموزه‌های اسلامی و سیره پیامبر اسلام، نشان از آن دارد که اندیشه سیاسی اسلام، در روش، متکی بر رحمت است. همان روز که مسلمانان مکه را فتح کردند و بر کفار چیره شدند عده‌ای از آنها بر انتقام تأکید می‌کردند، رسول مکرم اسلام، بر رحمت و بخشش تأکید کردند و این سرمشقی برای مدعیان امروز پیروی از پیامبر اسلام است که هر چند نام

محمد رسول الله را بر پرچم های سیاه خود حک کرده اند، اما در روش، نه فقط تکیه بر رحمت ندارند که در انتقام نیز افراط می کنند. نکته مهم اینجاست که رحمت و اعتدال روشی اسلام، تناقضی با حفظ اقتدار نداشته و در اندیشه اسلامی قاطعیت در برابر آنها که علیه اسلام سلاح در دست گرفته اند، مورد توجه قرار داده می شود.

ج) عقلانیت سیاسی: در اندیشه سیاسی اسلام، عقلانیت، تدبیر و سیاستگذاری متناسب با در نظر گرفتن سود و زیان مورد توجه قرار گرفته، هر چند مفهوم سود و زیان بیش از آن که معطوف به منافع دنیوی باشد، به اراده الهی ارتباط دارد. سیره مدیریتی پیامبر(ص) نشان می دهد که در تاریخ اسلام، هیچ گاه از مشورت، در نظر گرفتن منافع مسلمانان و تدبیر سیاسی و نظامی برای مقابله با دشمنان غفلت نشده و اینها همه نوعی عقلانیت و آینده نگری استراتژیک در اندیشه سیاسی را به نمایش می گذارد.

ح) مشورت: یکی از مهم ترین شاخص های این عقلانیت و آینده نگری، توجه ویژه به رای و نظر جامعه اسلامی است که در راستای مردم گرایی مورد توجه قرار گرفته و امروزه در جامعه ما، مبنای نوعی مردم سالاری دینی شده است. به تعبیر دیگر، در اندیشه اسلامی هر چند باور به اجرای احکام دینی، غیرقابل انکار است، اما افزون بر آن توجه به اراده عمومی نیز مورد تاکید قرار گرفته است.

خ) قدرت نرم: در اندیشه سیاسی اسلام همچنین توجه به نوعی قدرت نرم یا آنچه امروزه قدرت هوشمند نامیده می شود وجود داشته و حکومت بر دل ها و جذب غیرنظامی مردم سرزمین های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. هرچند در ظاهر در قرن بیستم، برای اولین بار روش های جنگ نرم تئوریزه شد، اما کیست که از یاد برد در اندیشه اسلامی نفوذ معنوی از قدرت نظامی شائی بالاتر داشته و چه بسیار کشورهایی که نه با جنگ و به زور سرنیزه که با قدرت اثرگذاری فکری و فرهنگی اسلام فتح شده اند.

د) وحدت: شاخص دیگر در اندیشه اسلامی و آموزه های نبی مکرم اسلام، دعوت به وحدت، همگرایی و پرهیز از فرقه گرایی است. همین دغدغه حضرت رسول(ص) باعث شد تا ایشان در آخرین حج خود ولی پس از خویش را به جامعه اسلامی معرفی کنند، هر چند برخی نگرش های متفاوت، تحقق این ولایت را به تاخیر انداخت. با این همه نگاهی به سیره پیامبر(ص) و امام علی(ع) نشان می دهد که همواره وحدت بر تفرقه ترجیح داده شده و فرقه گرایی و تکفیر مخالفان نفی شده است.

ذ) سعادت انسانی: اندیشه اسلامی در هدف، سعادت انسانی و تعالی بشر را مدنظر قرار داده و خردورزی سیاسی در این چارچوب نیز هدفی جز این ندارد. بنابراین در اندیشه سیاسی اسلام، برخلاف آنچه امروز از کنش سیاسی برخی گروه های بظاهر اسلامگرا درک می شود، هدف نه کسب یا حفظ قدرت، بلکه رشد انسان است و این غایتی است که فاصله ای معنادار با اندیشه هایی دارد که به نام اسلام تنها دستیابی به قدرت مادی را مدنظر قرار می دهد و در این مسیر از دروغ و فساد و آدمکشی هراسی ندارد.

به این ترتیب هجمه تبلیغاتی کنونی به شاخص های سیاسی اسلام از سوی گروه های تکفیری، دفاع از پیامی که محمد امین(ص) برای بشریت داشت را مسئولیتی سنگین برای مسلمانان امروز کرده تا مانع تشدید انحرافات شوند که به نام اندیشه سیاسی اسلام، اما به کام خشونت طلبان و افراطیون در منطقه ای که زادگاه ادیان ابراهیمی است، دنبال می شود.

یوسف آبشاریان / جام جم